



آثار حسادتهای فردی و اجتماعی/ حسادت ریشه در نوعی خودکم بینی دارد

یک استاد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی با اشاره گفت: یکی از راهکار درمان حسادت این است...

یک استاد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی با اشاره گفت: یکی از راهکار درمان حسادت این است که اهداف فرهنگی جامعه متنوع و متکثر شود، یعنی وقتی که هدفهای فرهنگی اضافه شود و اشخاص خودشان را مستقل تلقی کنند و با یک احساس طمأنینه و استقلال شخصیتی و عزت نفس به تلاش برای رسیدن به آن هدفهای فرهنگی شروع کنند شاهد کاهش حسادتها خواهیم بود.

دکتر عباس محمدی اصل استاد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی در مورد اینکه ریشه های فکری و روانی حسادت به کجا بر می گردد، به خبرنگار مهر گفت: به لحاظ جامعه شناختی، حسادت ریشه در نوعی خود کم بینی و احساس بزرگی دیگران دارد. به عبارت دیگر اگر در جامعه هدفهای فرهنگی محدود باشند و آدمها تلاش کنند که برای رسیدن به آن هدفهای محدود از همدیگر استفاده کنند و گاهی هم همدیگر را عقب بیندازند یا از همدیگر سبقت بگیرند حتی تلاش کنند که رقیب خود را کنار بزنند دچار نوعی حسادت شده اند و حسد شکل می گیرد.

وی افزود: بنابراین اگر ما در جامعه ای انواع هدفهای متفاوت فرهنگی را تعریف کنیم در این صورت حسادت هم می تواند کاهش پیدا کند. برای مثال فرض کنید که اگر ما تنها راه پیشرفت در جامعه را عبارت از این بدانیم که بچه هایمان وارد دانشگاه شوند و درس بخوانند و مهندس و دکتر شوند در این صورت می دانیم که هم امکانات دانشگاه ها پایین است و هم پایگاه های اجتماعی که تحت عنوان مهندس و دکتر تعریف می شود محدود است. در این صورت یکنوع رقابت و سبقت جویی و ستیزه بین افراد بالا می گیرد و باعث می شود که به همدیگر حسودی کنیم و فکر کنیم که دیگری بر من هیچ مزیتی نداشته اگر به جایی رسیده است. و این همه باعث آن بیماری روحی می شود که ما را از آرامش خارج می کند و آسودگی را از ما می گیرد. در نتیجه اگر بتوانیم بفهمیم که سفالگری به اندازه دانشگاه رفتن مفید است یا خیاطی هم به اندازه آهنگسازی می تواند مفید باشد و درس خواندن هم به اندازه رانندگی وسایل حمل و نقل عمومی مفید باشد و این هدفگذاری فرهنگی به نحو مساوی انجام گیرد در این صورت آدمها تلاش می کنند که در حد استعدادهای خودشان وارد مسیرهای مختلف شوند. در نتیجه اصلا شاید احتیاج به این نباشد که خودشان را با همدیگر مقایسه کنند و چشم و هم چشمی کنند و در صورت زیاد نبودن دسترسی ها و نتیجه گیری ها دچار حسادت شوند و آسیبهای روانی را متوجه خودشان سازند..

محمدی اصل در مورد اثرات و عواقب فردی و اجتماعی حسادت هم اظهارداشت: قاعدتا حسادت به عنوان بیماری روحی و روانی، آدمها را از نیل به هدفها و برنامه ریزی ها برای زندگی باز می دارد. در واقع نگاه و تلاش فرد حسود متوجه سوژه ای می شود که می خواهد با فرد محسود چشم و هم چشمی کند. از او جلو بزند و از او عقب نماند. گاهی از او سبقت بگیرد و با او رقابت کند و حتی اگر امکان داشت او را نابود کند. در نتیجه انگار که این فرد هدفی نخواهد داشت جز تنه به تنه زدن آن فرد یا سوژه ای که دارد با آن حسادت می کند.

این استاد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی تصریح کرد: بدین ترتیب حسود دائما فکرش حسادت کردن با افراد دیگر است و اینچنین از برنامه ریزی برای خودش و رسیدن به یک هدف مستقل و درواقع خودپسندگی باز می ماند و بیشتر باعث آطل و باطل ماندن فعالیت هایش می شود. در نتیجه به نظر می رسد که او را از یک عضو فعال جامعه دور می کند و به یک فردی که به جای اینکه مواظب جلوی خود باشد دائما بغلی خود را می پاید برای اینکه او را آزار دهد یا از او جلو بزند تبدیل می کند. حالا معلوم نیست که آن بغلی هم آیا به این شخص دارد نگاه می کند یا مسیر خودش را می رود. در نتیجه یک نوع نابسامانی عمومی در جامعه ای که حسادت بالا بگیرد بروز می کند و تمام هم و غمش را متوجه برتری جویی و غلبه بر سوژه حسادت می کند و ممکن است باعث روان پریشی آن فرد شود و او را از حالت عادی خارج کند.

محمدی اصل عنوان کرد: تمام فکر و ذکرش این باشد که دوره حسادت را یک طوری پشت سر بگذارد یا دائم با محسود رقابت کند. بدین ترتیب هم یک بیماری روانی را در شخص به وجود می آورد و هم کل نظام اجتماعی را دچار نابسامانی می کند.

وی در مورد اینکه راهکار درمان حسادت چیست گفت: همانطوری که عرض کردم یکی از راهکار درمان حسادت این است که اهداف فرهنگی جامعه را متنوع و متکثر کنیم. یعنی وقتی که هدفهای فرهنگی اضافه شود و اشخاص خودشان را مستقل تلقی کنند و با یک احساس طمأنینه و استقلال شخصیتی و عزت نفس شروع کنند به تلاش برای رسیدن به آن هدفهای فرهنگی، در نتیجه شاهد کاهش حسادت ها خواهیم بود. این مسئله بر می گردد به اینکه چقدر آدمها را در زندگی، آزاد گذاشته باشیم که فضای آزادی برای کنشگری آنها مهیا کرده باشیم و آنها بتوانند به طور مستقل برای زندگی خودشان تصمیم بگیرند. البته تنوع هدفهای فرهنگی هم به قدری باید زیاد شود که آنها بتوانند مستقیم به سمت هدفها حرکت کنند؛ به جای اینکه بیشتر متوجه سوژه حسادت باشند و از این طریق خودشان و دیگری را تخریب کنند.

محمدی اصل در مورد اینکه آیا حسادت می شود در سطح گروهی و اجتماعی هم صورت بگیرد تصریح کرد: بله! حتما. ممکن

است که یک جامعه ای نسبت به جامعه دیگری احساس حسادت کند. حتی ممکن است یک جامعه در تاریخ خودش نسبت به گذشته یا آینده خود دچار حسادت شود. در نتیجه اگر قدری تحلیل را بالا ببریم یعنی به جای افراد، جامعه های مختلف را قرار دهیم ممکن است که جامعه ای نسبت به جامعه دیگر دچار همین چشم انداز حسادت شود.

این نویسنده و محقق ادامه داد: در نتیجه همان تحلیلی که در سطح یک جامعه به خصوص متضمن تنوع اهداف و عزت نفس تک تک اشخاص بود در اینجا هم متوجه کل جوامع می شود یعنی اگر تک تک هر جامعه ای عزت نفس خودش در سطح کلان هم به نحو عام و متنوع تعریف شده باشد در آن صورت می توانیم بگوییم که حسادت جوامع یا اجتماعات نسبت به همدیگر از بین می رود. این تحلیل بین المللی است.

وی افزود: اما در سطح ملی هم ممکن است توده ها یا اصناف یا گروه های مختلف با بخشهای مختلف جامعه یا سازمانهای آن هم دچار حسادت نسبت به یکدیگر شوند. برای مثال در جامعه ما ممکن است کارمندان آموزش و پرورش به کارمندان وزارت خارجه حسادت کنند. زیرا می گویند آموزش و پرورش با یک میلیون کادر کمتر از وزارت خارجه که مثلا صد هزار کادری دارد بودجه اش است و کارمندان وزارت خارجه حقوق و مزایایشان با مقیاسهای خارجی پرداخت می شود. در نتیجه یک نوع حسادت بین کارمندان این دو وزارتخانه اتفاق می افتد.

محمدی اصل یادآور شد: منظورم این است که در سطح یک جامعه هم ممکن است گروه های مختلف و اصناف و وزارتخانه ها، نهادها و همه به این عارضه دچار شوند و فقط مختص اشخاص نیست. ولی تحلیل این است که تنوع اهداف و عزت نفس هر کنشگر اعم از جمع، سازمان، نهاد و حتی یک جامعه می تواند مانع از بروز حسادت شود و بیشتر تلاش را متوجه سازندگی و به نتیجه رسیدن اهداف مشخص کنند.